پژوهش دینی

شمارهٔ ۴۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۳
صص ۱۴۷-۱۸۰ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini
No. 49, Autumn &Winter 2024/ 2025

تحلیل معنی شناسی شناختی دنیای مکانی‌شده در زبان نهج‌البلاغه براساس نظریه معاصر استعاره با تمرکز بر بنیان استعاره‌ها

آفرین زارع[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷)

چکیده

شناخت دنیا به عنوان محل زندگی انسان، از دیدگاه امام علی به عنوان انسان کامل به نگاه انسان‌ها در هر زمان و هر مکان، رویکردشان به آن و در نتیجه دانستن راه و رسم زیستن در آن کمک شایانی می‌کند. از آنجاکه استعاره شناختی (نگاشت نظام‌مند از یک حوزه مبدا بر یک حوزه مقصد)، به‌عنوان نوعی فعالیت ذهنی مرتبط با مفهوم‌سازی، در تفکر، استدلال، درک، تحلیل، اقناع مخاطب، انتقال مفاهیم به وی، حتی در رفتارسازی و تولید مفاهیم جدید همچنین ایجاد واقعیت اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی، ابزاری کارآمد به‌شمارمی‌رود، در گفتمان هدایتگر و انسان‌ساز نهج‌البلاغه بسیار مورد استفاده قرارگرفته‌است. براین اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و رویکرد شناختی، مکان‌شدگی دنیا را در در زبان نهج البلاغه تحلیل می‌کند تا روشن سازد مکان‌هایی که در مفهوم‌سازی دنیا در چارچوب نظریه معاصر استعاره در نهج البلاغه مورد توجه و استفاده قرار گرفته‌اند کدامند سپس بنیان استعاره‌های شناختی را که در این مفهوم‌سازی به‌کار رفته‌اند مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مزرعه، دریا، آبشخور، رودخانه/ دریاچه، تکیه‌گاه، چراگاه، میدان مسابقه، خیمه و بازار مکان‌هایی هستند که در مفهوم‌سازی دنیا در زبان نهج البلاغه مورد توجه قرار گرفته‌اند. تحلیل دنیای مکانی‌شده بیانگر آنست که بنیان همه استعاره‌های شناختی این مقوله همبستگی‌های تجربی غیر مستقیم ما هستند، نه هم‌زمانی تجربی و نه بدن‌مندی.

کلید واژه‌ها: مفهوم‌سازی، مکان‌شدگی، دنیا، امام علی، استعاره شناختی، بنیان استعاره‌ها، همبستگی تجربی.

---

۱. دانشیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛
dr.afarin.zare@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

بیان مسأله

شناخت دنیا برای همه انسان‌ها با وجود تفاوت‌های زبانی، فرهنگی، عقیدتی و محدوده جغرافیایی ضروری است؛ چرا که ایشان با زندگی در این دنیا باید به هدف از آفرینش خود (غایت فعلی) دست یابند؛ بنابراین شناخت حقیقت و ماهیت جایگاهی که در آن آفریده شده‌اند، در نوع تعاملات و رویکردهایشان و نتیجه حاصل از این تعاملات و رویکردها نقش اساسی دارد. بی‌شک نگاه توحیدی به دنیا شناخت جامعی به انسان می‌دهد و باعث می‌شود دنیا ابزاری جایگزین دنیامداری گردد.

مفهوم‌سازی امام علی به عنوان جانشین پیامبر خداﷺ و شخصیتی دانشمند، پرهیزکار، حکیم و ادیب بی مانند، از دنیا به نگاه انسان‌ها در هر زمان و هر مکان، رویکردشان به دنیا و در نتیجه دانستن راه و رسم زیستن در آن کمک شایانی می‌کند؛ طوری که در سایه این دانش و عمل براساس آن، همگان می‌توانند با آرامش، سلامتی و موفقیت زندگی کنند و سعادتمند شوند.

از آنجا که استعاره شناختی به‌عنوان نوعی فعالیت ذهنی که با مفهوم‌سازی مرتبط است، نه با معانی واژه‌ها و در واقع شکل بنیادین زبان به‌شمار می‌رود و در تفکر، استدلال، درک، تحلیل، انتقال مفاهیم به مخاطب و اقناع وی، حتی در رفتارسازی و تولید مفاهیم جدید همچنین ایجاد واقعیت اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی، ابزاری کارآمد به‌شمارمی‌رود، در معرفی مفاهیم انتزاعی در متون اسلامی مقدس به ویژه در گفتمان نغز و دلچسب نهج‌البلاغه بسیار مورد استفاده قرار گرفته است.

بر این اساس با توجه به نقش "مکان‌ها" در عینی سازی مفاهیم انتزاعی از جمله دنیا، هدف پژوهش حاضر آنست که با استفاده از نظریه معاصر استعاره دنیای مکان انگاشته شده را در زبان نهج‌البلاغه تحلیل کند تا ابتدا روشن سازد از میان مکان‌های عینی نزد انسان، کدام مکان‌ها در مفهوم‌سازی دنیا در نهج‌البلاغه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، سپس

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

به بنیان آنها بپردازد. به همین منظور ابتدا کلیه استعاره‌های شناختی مکان‌شدگی دنیا را از این پیکره عظیم استخراج کرده، در گام بعدی به تحلیل آنها پرداخته، آنگاه بنیان این استعاره‌ها را مورد بررسی قرار داده است. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی با رویکرد معناشناسی شناختی می‌باشد.

مقدمه

نظریه معاصر استعاره، استعاره را دارای جنبه مفهومی و متعارف معرفی می‌کند که پایه بخشی از نظام متعارف اندیشه و زبان است. خاستگاه استعاره در چگونگی مفهوم‌سازی یک حوزه ذهنی بر اساس حوزه ذهنی دیگر است. طبق این نظریه، استعاره عبارت است از نگاشت میان حوزه‌ای در نظام مفهومی. به عبارت فنی‌تر، استعاره نگاشت (تناظرهای مفهومی) نظام‌مند از یک حوزه مبدا بر یک حوزه مقصد است. تناظرهای هستی‌شناختی‌ای وجود دارند که بر اساس آنها هستی‌های حوزه مقصد به‌صورت نظام‌مند با هستی‌های حوزه مبدا متناظرند. به عنوان مثال ما حوزه مفهومی عشق را از طریق حوزه مفهومی سفر می‌فهمیم. بر این اساس، نگاشت عشق به مثابه سفر، مجموعه‌ای از تناظرهای هستی‌شناختی است که تناظرهای معرفت‌شناختی را با نگاشت دانش مرتبط با سفر بر دانش مرتبط با عشق تعیین می‌کند. هستی‌های حوزه مقصد عشق (عاشقان، رابطه عاشقانه، هدف‌های مشترک، مشکلات و مسائل موجود در رابطه) با هستی‌های حوزه مبدا سفر (مسافران، وسیله نقلیه، مقصد سفر و موانع موجود در راه سفر) متناظرند؛ بنابراین استعاره عشق سفر است مجموعه‌ای از نگاشت‌های هستی شناختی‌ای است که هستی‌شناسی سفر را بر هستی‌شناسی عشق فرافکنی می‌کند (سناریوی سفر را بر سناریوی متناظر عشق می‌نگارد). اینکه ما می‌توانیم با استفاده از دانشی که درباره سفر داریم و در مورد آن استدلال می‌کنیم، درباره عشق استدلال کنیم، نتیجه همین نگاشت هستی‌شناختی از حوزه مبدا سفر بر حوزه مقصد عشق است. پس واژه یا عبارت به خصوصی استعاره **عشق به**

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

مثابه سفر است را پدید نیاورده، بلکه نگاشت هستی‌شناختی در میان حوزه‌های مفهومی از حوزه مبدا سفر بر حوزه مقصد عشق، این استعاره را برانگیخته است. همین واقعیت ثابت می‌کند که استعاره صرفا موضوعی زبانی نیست (صنعت ادبی نیست)، بلکه انگاره‌ای ذهنی و یک شیوه اندیشیدن است که در زبان تجلی می‌یابد. نگاشت نیز بنیادی است؛ زیرا استفاده از زبان و الگوهای استنتاج حوزه مبدا را برای مفاهیم حوزه مقصد مجاز می‌شمارد. این نقشه‌برداری قراردادی است؛ یعنی بخش ثابتی از نظام مفهومی ماست: یکی از شیوه‌های معمول ما در مفهوم‌سازی روابط عاشقانه.

استعاره **عشق سفر است**، یک نگاشت مفهومی است که دو نوع تعمیم را مشخص می‌کند:

ـ تعمیم چند معنایی: تعمیمی بر معانی مرتبطِ عبارات زبانی، مانند خیابان بن‌بست، چهارراه، گیر کردن، راه به جایی نبردن و مانند آن.

ـ تعمیم استنتاجی: تعمیمی بر استنتاج‌ها در حوزه‌های مفهومی مختلف.

برخلاف دیدگاه‌های کلاسیک استعاره، کانون‌های استعاری در زبان‌شناسی شناختی، دل بخواهی نیستند، بلکه انگیخته هستند. به عبارت فنی‌تر کانون‌های استعاری مانند چرخمان گیرکرده بود، با انطباق با الگوی موجود در نظام مفهومی تولید می‌شوند و با یک انگاره ذهنی قراردادی همراه هستند. برای روشن‌شدن این مطلب، به عبارت استعاری چرخمان گیرکرده بود دقیق نگاه می‌کنیم:

چنانکه گفته شد این عبارت استعاری با یک انگاره ذهنی شناخته‌شده همراه است. هنگامی که چرخ‌های یک خودرو در ماده‌ای مانند گل، برف یا ماسه گیر کرده باشد، خودرو دیگر نمی‌تواند حرکت کند. بخشی از دانش ما درباره آن انگاره این است که در این حالت، مسافران انرژی فراوانی برای به حرکت درآوردن چرخ‌ها صرف می‌کنند، اما شرایط تغییر نمی‌کند در نتیجه پیشرفتی به وجود نمی‌آید. استعاره **عشق به مثابه سفر** بر دانش ما از این انگاره منطبق می‌شود و این دانش را بر دانشی که درمورد روابط عاشقانه داریم، فرافکنی می‌کند: هدف‌های مشترک عاشقان محقق نشده است؛ عاشقان بسیار تلاش می‌کنند

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

تا در روابطشان پیشرفتی حاصل شود، اما تغییری در اوضـاع ایجـاد نمـی‌شـود، در نتیجـه تلاش‌ها به آنچه مطلوب است، منجر نمی‌گردد.

از توضیح آنچه گذشت درمی‌یابیم که نگاشت‌ها در سطح عام و فراگیر پدید می‌آیند، نه در سطح پایه. در نگاشت عشق یک سفر است، یک رابطه عاشقانه با یک وسیله به عنـوان مقوله‌ای کلی که شامل مقوله‌های پایه‌ای مانند خودرو، قطـار، قـایق و هواپیمـا مـی‌شـود، متناظر است. به همین دلیل است که نگاشت‌های فرعی کاملا عامی ماننـد رابطـه عاشـقانه یک خودرو است یا رابطه عاشقانه یک قایق است، پیدا نمی‌کنیم.

نگاشت‌های استعاری همچنان نشان می‌دهند که ساختار حوزه مبدا بـا سـاختار حـوزه مقصد سازگار است. در مثال ذکر شده (**عشق به مثابه سفر**) اسـتعاره، طـرح‌واره تصـویری سفر را به شیوه‌ای سازگار با ساختار ذاتی حوزه عشـق حفـظ مـی‌کنـد. در ایـن اسـتعاره طرح‌واره تصویری مسیر (path) وجود دارد که حوزه مبدا اسـتعاره اسـت و بـر اسـاس آن مبداها بر مبداها، راه‌ها بر راه‌ها و مقصدها بر مقصدها فرافکنی می‌شود. این چیزی است که نظریه معاصر استعاره، اصل تغییرناپذیری می‌نامد.

نظریه معاصر استعاره همچنین نشان می‌دهد که بسیاری از بنیادی‌ترین مفهوم‌ها در نظام مفهومی ما مانند زمان، حالت، کمیت، کنش، هدف، علت و نظیر آن معمولا از طریق استعاره درک می‌شوند (مقصود استعاره مفهومی است) (لیکاف، ۱۹۹۳).

کوچش براساس پژوهش دیگنان در زبان انگلیسی، حوزه‌های عینی و پرکاربردی را که به عنوان مبدا عمل می‌کنند اینگونه فهرست‌بندی کرده است: اندام‌های مختلف بـدن انسـان، سلامتی و بیماری، حیوانات، گیاهان، ساختمان‌ها، ابزار و دستگاه‌هـا، مسـابقات و ورزش، پول، غذا و آشپزی، گرما و سرما، روشنایی و تاریکی، نیروهـا اعـم از جاذبـه، مغنـاطیس، الکتریسیته و مکانیک، حرکت و جهت. حوزه‌هایی مانند: احساس، امیال، اخلاقیات، فکـر، جامعه، ملت، سیاست، اقتصاد، روابط انسـانی، ارتبـاط، زمـان، مـرگ و زنـدگی، مـذهب، رخدادها و اعمال نیز از متداول‌ترین حوزه‌های مقصد هستند (۲۰۱۰، ۱۸–۲۸).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

نکته قابل توجه در فهرست کوچش آنست کـه چـون پـژوهش انجـام شـده در زبـان انگلیسی بوده، این فهرست جامع نیست و بی شک با مطالعه زبان‌های دیگر از جمله عربـی می‌توان به حوزه‌های مبدا و مقصد دیگری نیز دست یافت.

از آنجا که امام علی﵇ نیز مانند پروردگار و خاتم پیـامبرانشﷺ از امـور مـاورایی و مفاهیم فرامادی همچون خدا، توحید، شیطان، دنیا، آخرت، زندگی، مرگ، معاد و غیـره در نهج‌البلاغه سخن‌گفته، در تعریف چنین مفـاهیمی از قواعـد حـاکم بـر ذهـن و زبـان بشـر بهره‌جسته و با به‌کارگیری مفهوم‌سازی استعاری تـلاش‌مـی‌کنـد اندیشـه و رفتـار بشـر را متحول‌کند. ابزار ایشان ﵇ برای سازماندهی و پردازش حقایق، معارف ناب و حکمت‌آمیز و آموزه‌های انسان‌ساز و انتقال آنها به مخاطب، زبان است کـه در پـژوهش حاضـر مـورد کاوش قرار گرفته.

پیشینه پژوهش

ـــ آقاگـل‌زاده و پـورابراهیم (۲۰۱۳). نویسـندگان بـا هـدف روشـن‌کـردن چگـونگی مفهوم‌سازی مفهوم انتزاعی "مرگ" در ذهن، به بررسی این مفهوم در متون اسلامی (قرآن و نهج‌البلاغه) پرداخته‌اند؛ اینکه کدام حوزه‌های مبدا عینی به این مفهوم‌سازی کمک می‌کنـد و چه مؤلفه‌هایی برروی حـوزه مقصـد (مـرگ)، منطبـق و در فراینـد الگـوبرداری برجسـته می‌شوند، هدف بعدی نویسندگان‌اسـت. نتـایج پـژوهش نشـان‌مـی‌دهـد مفهـوم مـرگ بـا اسـتعاره‌هـای سـاختاری، جهتـی و وجـودی مفهـوم‌سـازی‌شـده و نقـش اسـتعاره‌هـای شخصیت‌بخشی (وجودی) بیش از سایر انواع استعاره‌است. حوزه‌های مبدا متنوعی در ایـن مفهوم‌سازی به‌کاررفته و "قدرت" مرگ مؤلفه مشترکی‌است که از حوزه‌های مبدا بر حـوزه مقصد مرگ منطبق می‌شوند.

ـ ساکی (۲۰۲۲). پژوهشگر بر این باور است که اندیشیدن در نهج‌البلاغه و به‌کـارگیری آن در زندگی عملی انسان تأثیر بسزایی دارد و چون بسیاری از مفـاهیم بـه‌کـار رفتـه در

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

نهج‌البلاغه انتزاعی است، استعاره‌های مفهومی را گزینه مناسبی برای فهم متن نهج‌البلاغه می‌داند؛ چرا که ذهن و چشم را به هم پیوند می‌زند و باعث عینی‌سازی آن مفاهیم می‌گردد. پژوهشگر پس از معرفی این کتاب بزرگ و ذکر برخی از شرح‌های مهم آن، مقدمه‌ای در مورد استعاره مفهومی و انواع سه گانه آن (جهتی، هستی شناختی و ساختاری) آورده، سپس به جایگاه علمی تفسیر «نمونه» آیت الله مکارم شیرازی پرداخته است. وی در ادامه استعاره‌های مفهومی ۱۵ خطبه از نهج‌البلاغه را براساس کتاب «پیام امیرالمومنین» آیت‌الله مکارم شرح داده و نتیجه گرفته که استعاره‌ها در گفتمان نهج‌البلاغه ابزار بلاغی نیستند که موجب زیبایی کلام شوند، بلکه در فهم این گفتمان نقش محوری دارند و باید از آنها برای بیان مفاهیم محوری دین استفاده کرد.

ـ قائمی و ذوالفقاری (۱۴۰۱). با روش توصیفی ـ تحلیلی با استفاده از اصول استعاره مفهومی، فرافکنی حوزه مبدا گیاهان را بر حوزه مقصد زندگی در قرآن و برادر قرآن با هدف دریافت مفاهیمی که از مبدا بر مقصد فرافکن شده، مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاکی از آنست که در این دو متن مقدس، به واسطه گیاه‌انگاری تناظری میان زندگی و گیاهان و اصطلاحات مربوط پدیدآمده که به سیر حرکت انسان از تولد تا مرگ و رسیدن به مقصد نهایی ارتباط دارد. گیاه‌انگاری قرآن کریم و نهج‌البلاغه شریف این باور را تایید می‌کند که دنیا مزرعه آخرت‌است و نتایج اعمال دنیایی ما در آخرت به ما بازخواهدگشت.

ـ ناصر عبد (۲۰۲۲). پژوهشگر پژوهش خود را با مقدمه‌ای در مورد تاریخچه مختصری از علوم شناختی مدرن آغازکرده، سپس به معناشناسی‌شناختی و نقاط چهارگانه‌ای که این دانش بر آنها متمرکز شده پرداخته، سپس آنچه را که معناشناسی شناختی را از سایر نظریه‌های معنایی مبتنی بر رمزگشایی معنایی متمایز می‌سازد، ارائه نموده‌است. وی در هسته پژوهش پس از تبیین استعاره مفهومی، مبانی تجربی ادراکات استعاری را آورده، آنگاه نمونه‌هایی از استعاره‌های شناختی نهج‌البلاغه را در حوزه مرگ، دنیا، دین، روزگار و جنگ بررسی‌کرده و در پی رصد تعامل میان معانی انتزاعی با

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

محسوسات در ذهن امیر المؤمنین﵇ برآمده‌است. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاکی از آنست که گفتمان نهج‌البلاغه سرشار از مفاهیم شناختی مدرن می‌باشد که در شیوه بیان این مفاهیم شناختی نیز قدرتمند و غنیست. عمق استعاره‌های مفهومی این گفتمان جذاب نشان‌دهنده اندیشه شناختی امام علی﵇ و بیانگر تولید ادبی، فکری و فلسفی متمایز ایشان است که تولید خلاق جهانی را شبیه‌سازی کرده و حتی از آن فراتر رفته است.

ـ محمدعلی‌نژاد، علیمحمدی و دهقانی (۱۴۰۱)، نویسندگان پس از مقدمه‌ای که به تعریف استعاره زبانی می‌پردازد، ضرورت پژوهش در متون دینی را که بر قله‌های بلاغت ایستاده‌اند توضیح‌می‌دهند: از آنجا که این متون هدایت بشر را برعهده دارند، فهم صحیح و دقیق آنها از اهمیت فراوانی برخوردار است. این فهم با درک استعاره‌های به‌کار رفته در این متون به‌دست‌می‌آید؛ بنابراین، تحلیل استعاره‌های مفهومی که باعث عینی‌سازی مفاهیم انتزاعی و دستیابی به ذهن و تفکر استعاری گوینده می‌شود، بیش از پیش اهمیت دارد. نویسندگان سپس به مفهوم شناسی واژه "شعار" پرداخته و مفاهیم انتزاعی‌ای را که با استفاده از این واژه تبیین‌شده‌اند تحلیل‌کرده‌اند. این مفاهیم عبارتنداز: اطاعت از خدا، تقوا، محبت و رحمت، معارف قرآن، حزن و اندوه ستوده، طمع، صبر، خوف و خشیت، تواضع و خواص.

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین در این است که اولا: کلیه استعاره‌های مکان‌شدگی دنیا را از زبان نهج البلاغه استخراج و تحلیل نموده و دوم: مسأله محور است و تحلیل شناختی خود را بر اساس یکی از مباحث نظریه استعاره معاصر (بنیان استعاره) استوار ساخته.

بنیان استعاره‌های شناختی

لیکاف استعاره شناختی را چیزی می‌داند که از ساختار تجربه ما "برانگیخته" می‌شود و چون از حوزه مبدا، حوزه مقصد و نگاشت از مبدا بر مقصد تشکیل می‌شود، لازم‌است حوزه‌های مبدا مناسب حوزه‌های مقصد باشند تا آن الگوبرداری خاص رخ‌دهد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

از منظر زبان‌شناسی شناختی، بنیان استعاره‌های شناختی موارد زیر است:

ـ همبستگی‌های تجربی مستقیم انسان

ـ همبستگی‌های تجربی غیر مستقیم انسان

ـ تجربه جسم‌آگین انسان

گاهی استعاره‌های شناختی با تجربیات انسان همبستگی مستقیم دارند؛ به عنوان مثال زمانی که مقداری آب به میزان آب درون یک ظرف می‌افزاییم، سطح آن بالا می‌رود و یا اگر مقداری از مایع درون ظرف برداریم، سطح آن پایین می‌آید. بر همین اساس است که "بیشتر" با "بالا" و "کمتر" با "پایین" همبستگی‌دارد (لیکاف، ۱۹۸۷: ۲۷۶ و ۱۹۹۳: ۳۷–۳۸).

گاهی هم همبستگی استعاره‌های شناختی با تجربیات ما غیر مستقیم است؛ مانند همبستگی تجربی زندگی با سفر در استعاره **زندگی سفر است** (کوچش، ۲۰۱۰، ۸۰–۸۱).

استعاره مفهومی **محبت گرما است** مثال مناسبی برای استعاره‌هایی است که بنیان آنها تجربه جسم‌آگین انسان است. این استعاره نتیجه تجربه دوران کودکی ما از آغوش پرمهر والدین و گرمای آرامش‌بخش جسم آنان است که چون میان عاطفه و محبت و گرمای بدن همبستگی وجوددارد، ما آن را به‌صورت پیش‌مفهومی و پیش‌زبانی احساس و تجربه می‌کنیم؛ اینگونه همبستگی‌ها بیشتر اوقات ناآگاهانه هستند. همچنین است وقتی در حال فعالیت شدید بدنی هستیم یا هنگامی‌که عصبانی می‌شویم و یا زمانی‌که زیر فشار شدید روانی احساس گرما می‌کنیم؛ در همه این وضعیت‌ها میان افزایش شدت فعالیت یا حالت با تولید گرمای بدن همبستگی وجود دارد و این همبستگی اساس استعاره شناختی **شدت گرما است** می‌باشد که در زبان تجلی می‌یابد.

بر این اساس، استعاره به همان میزان که در اندیشه وجود دارد، در بدن هم هست و جسمانی است. تشخیص نوع همبستگی موجود میان "شدت عمل" یا "حالت"، با "گرما"، فرضیه تجسم را پدیدآورد که مبنای تفکر استعاری را تجربه بدن‌مند ما می‌داند. استعاره‌هایی مانند: زندگی سفر است، احساسات نیرو هستند، حالت‌ها ظرف هستند و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

استعاره‌هایی از این‌دست، همگی نمونه‌هایی هستند که چگونگی درک مفاهیم مجردی مثل: "حالت‌ها"، "احساسات" و "زندگی"را از طریق تجربیات اولیه و تکرارشونده انسانی با ساختار محدود نشان‌می‌دهند (کوچش، ۲۰۰۵: ۲-۳ و ۱۷-۱۹ و ۲۰۰۶: ۱۲۱-۱۲۲).

اونز و گرین هم مفاهیمی که بدان دسترسی‌داریم و ماهیت واقعیتی را که درمورد آن می‌اندیشیم و صحبت‌می‌کنیم تابع جسمانیت ما می‌دانند: ما تنها درمورد چیزی می‌توانیم سخن‌بگوییم که بتوانیم آن‌را درک‌کنیم و بفهمیم و چیزهایی که می‌توانیم درک‌کنیم و بفهمیم از تجربه ما به‌دست‌آمده؛ بنابراین طبق نظریه شناخت جسمانی‌شده (شناخت جسم‌آگین) تجربه، شکل‌دهنده اساس و ماهیت سازماندهی مفهومی است و تجربه حسی بخشی از آن چیزیست که به ساختار مفهومی معنا می‌بخشد (۲۰۰۶، ۱۵۷).

بر اساس آنچه گفته شد استعاره در زبان‌شناسی شناختی و نظریه معاصر استعاره پدیده‌ای است که به زبان، تفکر، مغز، بدن و تجربه فرهنگی- اجتماعی تعلق دارد و هم‌زمان در سطوح گوناگون زبانی، مفهومی، عصبی، جسمانی، اجتماعی و فرهنگی حاضر است. (کوچش، ۲۰۰۵، ۸ و ۲۰۰۶، ۱۳۰).

در ادامه کلیه استعاره‌های شناختی استخراج‌شده از پیکره نهج‌البلاغه که مکان‌شدگی دنیا را نشان می‌دهند ذکر و با رویکرد معناشناسی شناختی (براساس نظریه معاصر استعاره) تحلیل می‌شوند.

۱. دنیا مزرعه است.

أ) إنَّ المَالَ وَالَبنِینَ حَرثُ الدُّنیَا وَالعَمَلُ الصَّالِحُ حَرثُ الآخِرَةِ (خطبه ۲۳):

بی‌شک دارایی و فرزندان کشت و زرع دنیا هستند و عمل صالح کشت و زرع آخرت.

این کلام امام علی‌علیه‌السلام برگرفته از این کلام پروردگار پاک و منزه است که فرمود:

«إنَّمَا المَالُ وَالَبنُونَ زِینَةُ الحَیَاةِ الدُّنیَا وَالبَاقِیاتُ الصَّالِحَاتُ خَیرٌ عِندَ رَبِّکَ ثَوَابًا وَخَیرٌ أَمَلًا» (الکهف، ۴۶)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

کشت و زرع ⟵ دارایی و فرزندان

جزئیات استعاره **مزرعه** برای دنیا را می‌توان به‌صورت مجموعه نگاشت زیر بیان کرد:

محصولات مزرعه ⟵ دارایی و فرزندان

محصولات مزرعه تامین‌کننده بخشی از نیاز انسان ⟵ دارایی و فرزندان تامین‌کننده بخشی از امنیت انسان در دنیا

کشت و زرع مایه سرگرمی و شادی ⟵ دارایی و فرزندان مایه دلگرمی

محدودیت ماندگاری محصولات مزرعه ⟵ موقت‌بودن همراهی دارایی و فرزندان با انسان

آفت‌زدن محصولات مزرعه ⟵ ازدست‌رفتن دارایی و فرزند

دارایی و فرزند زینت زندگی دنیایی انسان است و اثر آنچه برای دنیا باشد، در همین دنیا باقی می‌ماند. انسان از دارایی‌اش در دنیا لذت می‌برد و از آن برای تامین نیازها و خواسته‌هایش استفاده می‌کند. فرزندان هم مایه خوشحالی انسان هستند؛ هنگامی که به ایشان می‌نگرد و زمانی که گرد او جمع می‌شوند، احساس غرور و عزت نفس به او دست می‌دهد و از داشتن‌شان لذت می‌برد.

اما هر انسانی باید بداند دارایی‌هایش اعم از مال و فرزند، همین‌جا (دنیا) می‌ماند و از بین می‌رود و پس از مرگش به همراه او نخواهد بود؛ انسان با مرگ، همه دارایی‌هایش (فرزند، ثروت، منصب و مانند آن) را ترک می‌کند و به تنهایی رهسپار قبر و برزخ می‌شود؛ پس این داشته‌ها تنها در حیات دنیایی‌اش باعث زینت او می‌شود نه پس از آن. بنابراین می‌توان گفت همانطور که خداوند در آیه ۱۴ از سوره آل عمران فرموده:

«**زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالبَنِينَ وَالقَنَاطِيرِ المُقَنطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ والفِضَّةِ وَالخَيلِ المُسَوَّمَةِ وَالأَنعَامِ وَالحَرثِ ذَلِکَ مَتَاعُ الحَيَاةِ الدُّنيَا وَاللهُ عِندَهُ حُسنُ الثَّوَابِ**»، هر چه که انسان برای معیشتش نیاز دارد کشت و زرع دنیاست و در آخرت به وی سودی نمی‌رساند مگر آنکه از همین کشت و زرع، به خوبی استفاده کرده باشد؛

به عنوان مثال: فرزند صالحی از خود بر جای گذاشته باشد که برایش استغفار کند و به

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

نیابت از او اعمال خیر انجام دهد؛ یا دانشی که مردم از آن بهره‌مند باشند و یا صدقه‌ای که پس از مرگش همچنان جاری و مستمراست (وقف که در زمان حیات انجام داده) (قزوینی حائری، ۹۵/۲).

امام علی﵇ نیز به تاسی از پروردگار همین مضمون را به فرزندان آدم یادآوری می‌کند:

مال و فرزند کشت و زراعت دنیا هستند و عمل صالح (نیکو) کشت و زرع آخرت است.

اینکه اولین پیشوای مسلمانان حوزه مفهومی دارایی و فرزند را از طریق حوزه مفهومی دیگری (کشت و زرع) تبیین می‌کنند، ذهن انسان را برای درک مقصود به فعالیت وامی‌دارد:

● همانطور که کشت و زرع دنیا از جمله نیازهای انسان است، او به دارایی و فرزند هم احتیاج دارد: بشر با کاشتن محصولات مختلف کشاورزی مانند: گندم، جو، غلات، میوه‌جات، سبزیجات و... بخشی از خوراک خود راکه جزیی از نیازهای معیشتی اوست، تامین می‌کند؛ سپس با مال حاصل از فروش این محصولات سایر نیازهایش را برطرف می‌گرداند. دارایی و فرزند هم در زندگی انسان جایگاه مهمی دارند و او را در مقابله با دشمن و تامین امنیت یاری می‌دهند: «**وَأَمدَدنَاکُم بِأَموَالٍ وَبَنِینَ وَجَعَلنَاکُم أَکثَرَ نَفِیراً**» (الاسراء، ۶).

●● پرداختن به کشت و زرع به عنوان یک حرفه، باعث سرگرمی و آرامش روح و روان انسان می‌شود؛ وجود فرزند هم مایه دلگرمی پدر است؛ چراکه در نوجوانی و جوانی چه در انجام امور زندگی و چه در نبرد با دشمن، یاور پدر و در کهنسالی نیز عصای دست او خواهد بود؛ فرزندی که وارث پدر است، نام و یاد او را زنده نگه‌می‌دارد و با انجام اعمال صالح حتی پس از مرگ پدر برای او سودمند خواهد بود.

اما هم کشت و زرع و هم مال و فرزند آفاتی دارند: **الف**. همانطورکه محصولات کشاورزی دائمی نیستند و ماندگاری هر محصولی زمان محدودی دارد، همراهی همسر و فرزند هم با انسان، موقتی‌است و در زمان مشخصی پایان می‌یابد؛ **ب**. کشت و زرع دنیا آفت می‌زند: یا حشرات آن را تلف می‌کند، یا بلایای طبیعی همچون خشکسالی و سیل؛ از

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

جمله آفت‌های دارایی هم از دست‌رفتن و ناپایداری آنست؛ به عنوان مثال انسان ورشکست می‌شود؛ یا در یک حادثه یکباره کل دارایی‌اش را از کف می‌دهد؛ یا سارقان دارایی اش را به یغما می‌برند و یا برای رفع مشکلاتی نظیر درمان بیماری خود یا عزیزانش، دار و ندارش را هزینه می‌کند.

اما آفت فرزند چیست؟ طبق فرموده پیامبر خداﷺ فرزند آدم باعث بخل، ترس و اندوه [پدر] می‌شود: «الوَلَدُ مَبخَلَةٌ مَجبَنَةٌ مَحزَنَةٌ» (شعیری، ۲۱۲/۱).

از دیگر آفات مال و فرزند، علاقه افراطی بشر به این دو است تا جایی‌که از هدف آفرینش خود که همانا کسب کمالات معنوی و رسیدن به قرب الهیست، غافل می‌شود و ثروت و فرزند را منشا ارزش و برتری می‌بیند: «**وَقَالَ لَهُم نَبِيُّهُم إنَّ اللهَ قَد بَعَثَ لَكُم طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ المُلكُ عَلَينَا وَنَحنُ أَحَقُّ بِالمُلكِ مِنهُ وَلَم يُؤت سِعَةً مِن المَالِ...**» (البقرة، ۲۴۷). به همین علت خدای سبحان در قرآن از مال و فرزند انسان، به «آزمایش» و «دشمن» او تعبیر کرده است:

«**وَاعلَمُوا أَنَّمَا أَموالُكُم وَأَولادُكُم فِتنَةٌ...**» (الانفال، ۲۸) و «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إنَّ مِن أَزوَاجِكُم وَأَولادِكُم عَدُوًّا لَكُم فَاحذَرُوهُم**» (التغابن، ۱۴).

این ناپایداری و کم ارزش‌بودن کشت و زرع دنیا در مقایسه با عمل صالح که کشت و زرع آخرتست به اندازه‌ایست که در دیدگاه امام علیؑ از جمله منفورترین انسان‌ها نزد ایزد بلندمرتبه کسی‌است که برای به‌چنگ‌آوردن این کشت و زرع هنگام فراخوانده‌شدن به آن، دست به هرکاری می‌زند، اما اگر به انجام اعمال صالح (کشت و زرع آخرت) دعوت شود، تنبلی و سستی می‌ورزد و کوتاهی می‌کند:

ب) إنَّ مِن أَبغَضِ الرِّجَالِ إلَى اللهِ تَعَالَى لَعبدًا وَكَلَهُ اللهُ إلَى نَفسِهِ جَائِرًا عَن قَصدِ السَّبِيلِ سَائِرًا بِغَيرِ دَلِيلٍ إن دُعِيَ إلَى حَرثِ الدُّنيَا عَمِلَ وَإن دُعِيَ إلَى حَرثِ الآخِرَةِ كَسِلَ (خطبه ۱۰۲).

از این کلام امام علیؑ استنباط می‌شود که شتاب برای داشتن دارایی و فرزند (کشت و زرع دنیا) به هر شیوه و قیمتی، از ویژگی‌های انسان نادان است که از راه راست منحرف

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

شده و به گمراهی گرویده؛ طوری که به جای فعالیت و تلاش برای آخـرت، تمـام توجـه، توان و همت خود را برای به‌دست‌آوردن کشت و زرع موقت و فانی دنیا صرف می‌کند؛ بـه همین علت هم نزد آفریننده خود مبغوض و منفور است.

شیخ بهایی این مضمون را اینگونه به نظم درآورده:

در راه آن، تیزهوش و زیرکی　　در ره این، کندفهم و احمقی

در ره آن می‌دوی از جان و دل　　در ره این، می‌روی چون خر به گل

(شوشتری، ۲۵۷/۱۴).

۲. دنیا دریا است.

وَ مَنْ رَکِبَ لُجَجَکِ غَرِقَ (نامه ۴۵): هرکس بر آب‌های عمیق و انبوه دریای دنیا سـوار شود، غرق گردد.

دریا ◄——— دنیا

مجموعه نگاشت‌های زیر روابط هستی شناختی دریا با دنیا را نشان می‌دهد:

گستردگی و پهناوری ◄——— گستردگی و پهناوری

دگرگونی اوضاع و احوال ◄——— ناپایداری اوضاع و شرایط

ناامنی و خطر غرق شدن ◄——— نـاامنی‌هـا، خطـرات و چـالش‌هـای زنـدگی، مخاطرات اجتماعی، مشکلات اقتصادی

منبع ثروت ◄——— منبع ثروت‌ها و فرصت‌ها

پر جاذبه و وسوسه کننده ◄——— پر کشش و اغواگر

از کلام امیرمؤمنان﵇ برمی‌آید که از میان نگاشت‌های مختلف دریا بر دنیـا، دو جنبـه جاذبه و وسوسه‌کنندگی و نابودکنندگی برجسته شده است. همانطور که شناگران طمـع‌کـار، به شناکردن در سطوح کم‌عمق و امن دریا رضایت نمی‌دهند و با مقاصد گوناگونی همچـون ارضای میل به تجربه هیجان بیشتر، لذت‌جویی بیشتر، بیشتر دیده‌شدن، یا مشهورترشـدن و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

مانند آن، بدون توجه به خطراتی که جانشان را تهدید می‌کند، به نقاط عمیق و پرآب دریا می‌روند و آنقدر پیشروی می‌کنند که دیگر کنترل اوضاع از دستشان خارج می‌شود و در اعماق دریا فرومی‌روند و هر چه بیشتر دست و پامی‌زنند تا خود را روی آب نگه‌دارند، بیشتر در ژرفای پرآب دریا فرومی‌روند تا جایی که دیگر کمکی از کسی برای نجاتشان ساخته‌نیست و در نهایت در همان نقطه غرق‌می‌شوند، لذت‌ها، آرزوها و خواستنی‌های دنیا مثل پول، مقام، قدرت، شهرت و مانند آن برای دنیادوستان و دنیاپرستان نیز به قدری فراوان است که پایانی ندارد؛ هر چه بیشتر به خواسته‌های دنیایی خود برسند، حریص‌تر می‌شوند و بیشتر می‌طلبند و این پیروی از نفس سرکش و بردگی آن و فرورفتن در دریای ژرف امیال و لذت‌ها وشهوت‌های دنیا که هیچش کناره نیست آنقدر ادامه می‌یابد که این‌گونه افراد را از راه راست منحرف می‌کند و به راه‌های باطل و مفسده‌دار می‌کشاند تا جایی که دیگر توان بازگشت از آن را ندارند در نتیجه در گودی‌های پرآب این دریا بیشتر و بیشتر فرومی‌روند و در نهایت در آن غرق می‌شوند.

اینکه امام علی﵇ برای نقاط عمیق و پرآب دریا، از واژه "رکب" استفاده کرده‌اند می‌توان استدلال کرد که دریای لذت‌ها، امیال و آرزوهای دنیا ابتدا به دوستداران و شیفتگان خود اجازه می‌دهد به‌طور تدریجی در آن پیشروی‌کنند سپس بر نقاط پرآب آن سوار شوند: با شهوتی سیری‌ناپذیر تمام توان و تلاش خود را برای کسب ثروت، قدرت، مقام، شهرت و مانند آن صرف‌کنند و در این راه حتی از ارتکاب حرام هم ابایی نداشته باشند، پس از آنکه کاملا آلوده هوس‌رانی‌ها و بندگی نفس امرکننده به بدی‌ها شده، از راه راست منحرف گشتند طوری که دیگر بازگشت به حق و درستی برایشان غیر ممکن شد، ناگهان آنها را در دل همان نقاط پرآب و عمیق فرومی‌کشد و غرق می‌کند؛ درست مانند اسب چموشی که ظاهرا رام صاحب خود می‌شود و به او سواری می‌دهد اما درست در لحظه‌ای که صاحبش کاملا به آن اعتماد کرده و آسوده خاطر بر پشتش سوار است، ناگهان این اسب رام و فرمانبردار، رم می‌کند، دست‌هایش را بالامی‌آورد و سوار غافلگیرشده را از

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

پشت بر زمین می‌کوبد (خطبه ۸۲؛ نکـ : به: Zare,2022a, 221-222).

برای همین از امام کاظم﵇ نقل شده که فرمودند: لقمان به فرزندش گفـت: ای فرزنـدم دنیا دریای عمیقی است که علمای زیادی در آن غرق شده‌اند؛ پس باید کشـتی تـو در آن، تقوای الهی و پر از ایمان به خدا باشد. بادبان این کشتی، توکل، سرپرستش عقل، راهنمایش دانش و ساکنانش شکیبایی باشد (شوشتری، ۳۹۲/۶).

۳. دنیا آبشخوری تیره است.

فَإِنَّ الدُّنْيَا رَنِقٌ مَشْرَبُهَا رَدِغٌ مَشْرَعُهَا (خطبه ۸۲): آبشخور دنیا تیره و ورودی آن، پر گل و لای است.

حوزه مبدا: آبشخور تیره	حوزه مقصد: دنیا
عدم شفافیت	ناشناخته‌های هستی، اسرار، ابهامات و پیچیدگی‌های زندگی
پنهان بودن اعماق و جریان‌های زیرین نامرئی	نیروهای نامرئی تأثیر گذار بر زندگی، ساختارهای پنهان قدرت و نفوذ
خطرناک و کشنده	خطرناک و نابودگر
فریبندگی سکون ظاهری	فریبندگی ثبات ظاهری
نیازمند کاوش و شناخت	ضرورت اکتشاف، کسب تجربه و شناخت
آلودگی درون	آلودگی باطن

تناظرهای حوزه مبدا بر حوزه مقصد، ماهیت دنیـا و زرق و بـرق‌هـایش (مـال، مقـام، تجملات، قدرت، شهرت و...) را به خوبی به تصویر می‌کشد:

از آنجا که معمولا سطح بسیاری از رودخانه‌های بزرگ از زمین‌های اطـراف پـایین‌تـر است به‌گونه‌ای که دسترسی به آن و استفاده از آبش امکان‌پذیر نیست، انسان‌هـا بخشـی از کناره رودخانه را می‌کنند و با ایجاد یـک شـیب مناسـب، راه دسترسـی بـه آب را آسـان می‌سازند. عرب این راه را «شریعه» یا «مشرع» و آنجا که به آب منتهی می‌شود «مشرب» می‌نامد. حال اگر این راه (شریعه/ مشرع)، بـه‌گـل و لای و لجـن آلـوده باشـد، یـا محـلّ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

دسترسی به آب، طوری باشد که آن را گل‌آلود کند، استفاده از آب بسی مشکل می‌شود. به همین دلیل اخیرا شریعه را به صورت مناسبی (پلکانی) می‌سازند تا هر دو مشکل حل شود (مکارم شیرازی، ۳۵۱/۳).

امام علی‌ؑ در این تعبیر زیبا و هنرمندانه، زرق و برق دنیا (مال، مقام، تجملات، قدرت، شهرت و...) را به‌عنوان آبشخور مفهوم‌سازی می‌کند؛ همانطورکه راه رسیدن به این آبشخور از لجن‌زارها می‌گذرد و نقطه وصول به آن جایی است که آب را گل‌آلود می‌کند، دنیاپرستان نیز برای دست‌یازیدن به این زرق و برق‌ها، در اثر لغزیدن پای عقلشان از راه حق، از کرامت، عزت و شرافت خود می‌گذرند و به آلودگی‌های گوناگونی همچون دروغ، خیانت، خواری و مانند آن تن می‌دهند غافل از اینکه هریک از این آلودگی‌ها باتلاقی است بر سر راه رسیدن به آن مال، مقام، تجملات، قدرت، شهرت و ... که فرد گام نهاده در آن را در خود فرومی‌کشد و گرفتار می‌کند.

این افراد در صورت عبور از این باتلاق و رسیدن به آن خواسته‌ها، شاد و آرام نخواهند بود و حسرت بهره‌مندی از لذت حقیقی بر دلشان خواهد ماند؛ چرا که اولا: با وجود آن آلودگی‌ها و پیامدهای ناشی از آن نمی‌توانند زندگی آرام و لذت‌بخشی داشته باشند، گرچه در ظاهر کامروا شده باشند و دوم: به خاطر داشتن آن مال، مقام، تجملات و... مورد حسادت، طمع، تهاجم و مانند آن قرارمی‌گیرند و عیششان مکدر و تیره می‌شود؛ درست مانند کسی‌که به آب رودخانه دست‌یافته اما چون راه رسیدن به آب، آلوده به گل و لای و لجن بوده یا محل دسترسی به آب طوری بوده که آن را گل‌آلودکرده، درواقع به آب گوارا دست‌نیافته و از آن بهره‌ای نمی‌برد.

این مفهوم‌سازی را از زاویه دیگری هم می‌توان بررسی‌کرد: همانطور که آب کدر خالص و گوارا نیست و نوشنده آن، با اینکه سیراب می‌شود اما از نوشیدن آن لذت نمی‌برد، حتی دست‌یافتن به لذت‌های حلال دنیا هم آغشته به ناخالصی، نگرانی، پریشانی، درد، رنج و ناراحتی است (ابن‌میثم، ۲۳۶/۲ و هاشمی خویی، ۳۴۹/۵ و ۳۵۷) و حتی اگر انسان از راه درست و با تلاش و کوشش به خواسته‌هایش برسد اما در این راه با سختی‌ها،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

مشکلات و حوادثی مواجه‌می‌شود که مانع احساس خوشبختی خالص و کامل وی می‌شوند؛ چراکه همراه بودن "نیش" با "نوش"، قاعده این دنیاست (برای درک بهتر و بیشتر مطلب نکـ : به: Zare, 2022b.).

۴. دنیا رودخانه/ دریاچه خشک‌شده است.

عَلَی حِینِ اصفِرارٍ مِن وَرَقِهَا، وَإِیَاسٍ مِن ثَمَرِهَا وَاغورارٍ مِن مَائِهَا (خطبه ۸۸).

... دنیا رودخانه/ دریاچه‌ایست که آب آن فرورفته و خشک شده‌است.

(نویسنده) در مورد گیاه‌پنداری دنیا در مقاله خود توضیح داده‌است؛ آنچه به موضوع پژوهش حاضر مربوط می‌شود قسمت آخر این بخش از خطبه ۸۸ می‌باشد که درمورد مکان شدگی دنیاست (وَاغورارٍ مِن مَائِهَا).

امیرالمؤمنین امام‌علی﵇ در این قسمت دنیا را دریاچه/ رودخانه‌ای مفهوم‌سازی می‌کند که آبش فرورفته و خشک شده که مقصود باقی‌نماندن خیر و نیکویی دنیا در زمان جاهلیت است؛ یعنی همانطورکه رودخانه/ دریاچه پرآب منشا حیات بود، خیرها و نیکویی‌هایی که ادیان آسمانی برای انسان‌ها به ارمغان آورده‌بودند، آرامش و حال نیکوی فردی و اجتماعی به آنها بخشیده‌بود؛ اما همانطورکه عوامل زیست ـ محیطی از جمله عوامل انسانی باعث خشکی آب رودخانه/ دریاچه می‌شود، غفلت مردم از هنجارها و فضایل اخلاقی هم باعث رخت‌بربستن نیکویی‌ها از جوامع بشری شده بود. همانطورکه رودخانه خشک، بی‌روح و بی‌جان است و نمی‌تواند به محیط اطراف خود شادابی و خرمی ببخشد، دنیایی هم که در آن گمراهی، فتنه، هرج و مرج و قتل و غارت، رواج‌یافته نمی‌تواند آرامش، آسایش، دوستی و فراخی معاش را به افراد خود هدیه دهد (برای اطلاعات بیشتر نکـ : به: Zare, 2023a.).

جدول زیر نگاشت‌های دریاچه خشک‌شده بر دنیا را نشان می‌دهد:

حوزه مبدا: دریاچه	حوزه مقصد: دنیا
پرآبی دریاچه	رواج خیر و نیکویی در دنیا
خشک‌شدن آب دریاچه	رخت‌بربستن نیکویی‌ها از دنیا
بی‌جان و بی‌روح‌شدن دریاچه	گسترش گمراهی و فتنه و ناامن‌شدن دنیا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۵. دنیا تکیه‌گاه کج است.

وَ سِنَادٌ مَائِلٌ (خطبه ۸۲).

حوزه مبدا: تکیه‌گاه کج	حوزه مقصد: دنیا
بی ثبات	ناپایداری زرق و برق‌ها، اوضاع و شرایط
ایجاد کننده احساس ناامنی، ترس و عدم اعتماد	ایجاد کننده احساس ناامنی و آسیب‌پذیری
خطرناک	پر مخاطره
ظاهر سالم و پایدار و فریبنده	ظاهر آرام و پایدار و فریبا
غیر قابل اطمینان	غیر قابل اطمینان

شباهت‌های ساختاری ادراک‌شده میان تکیه‌گاه کج و دنیا نکات زیر را حکایت می‌کند: همان‌طور که تکیه‌گاه کج ظاهری سالم دارد و پایدار به نظر می‌رسد و همین ظاهر سالم افراد را می‌فریبد تا به آن تکیه دهند اما در واقع ناپایدار، ناامن، خطرناک و غیر قابل اعتماد است و تکیه‌کننده به آن در معرض سقوط قراردارد، زرق و برق، اوضاع و شرایط دنیا هم ظاهرا آرام و پایدار است و با همین ظاهر افراد را فریب می‌دهد و به سمت خود می‌کشد اما در حقیقت ثبات و استحکام ندارد و افرادی که به آن اعتمادمی‌کنند (غافلان) هر لحظه در معرض سقوط هستند؛ همان‌طورکه اگر تکیه‌گاه متزلزل فروبریزد، تکیه‌کننده بر آن نیز به همراه آن سقوط می‌کند، دنیا هم اگر به شیفته خود که به آن اعتمادکرده پشت‌کند، آن فرد نابودمی‌شود. همان‌طورکه زمان ریزش تکیه‌گاه بی‌ثبات مشخص نیست، زمانی‌که دنیا به دل‌بستگان خود روی دیگرش را نشان‌می‌دهد و آنها را ناکام می‌گرداند نیز نامشخص‌است. پس هدف امام علی‌علیه‌السلام از این مفهوم‌سازی، معرفی دنیا به‌عنوان مکانی غیر قابل اطمینان‌است و در این امر، به خوبی از حوزه مبدا تکیه‌گاه کج و سست استفاده کرده‌اند؛ چراکه استعاره شناختی **دنیا تکیه‌گاه کج است**، به تجربیات انسانی از عدم اطمینان و ناپایداری در زندگی مرتبط است؛ مغز مفهومی را درک می‌کند که از طریق تجربه حاصل شده باشد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۶. دنیا چراگاه موقت است.

فَتَجَنَّبُوا مَرْعَاةً قُلْعَتُهَا أَحْظَى مِنْ طُمَأْنِينَتِهَا (حکمت ۳۵۹).

از چراگاهی که کوچیدن از آن سودمندتر از اطمینان به آن‌است، بپرهیزید.

استعاره **دنیا چراگاه موقت است** با مجموعه نگاشت‌های زیر شکل می‌گیرد:

مبدا: **چراگاه**		مقصد: **دنیا**
محدود بودن ابعاد چراگاه	←	بی‌انتها نبودن گستره دنیا
متنوع نبودن پوشش گیاهی	←	گسترده‌نبودن امور و ظرفیت‌ها
مشخص‌بودن زمان چریدن دام	←	کوچ‌کردن انسان‌ها از دنیا در زمان مشخص
سرسبزبودن در فصل خاص	←	همیشگی‌نبودن فرصت‌ها
تهدید شدن چراگاه با خطرات	←	مواجه شدن انسان با خطرات گوناگون
قابل اطمینان نبودن چراگاه دنیا	←	مطمئن بودن چراگاه آخرت

نگاشت‌ها از حوزه مبدا (چراگاه) به حوزه مقصد (دنیا) نشان‌می‌دهد همانطورکه چراگاه قطعه زمین محدودی است، پهنه دنیا هم با همه گستردگی‌اش محدوداست؛ چنانکه پوشش گیاهی چراگاه متنوع‌نیست، ظرفیت دنیا هم در امور و جذابیت‌های مادی گسترده‌نیست؛ همانطورکه دام مدت زمان مشخصی می‌تواند در چراگاه بچرد، انسان هم در دنیا جاودانه نیست و در زمان معینی باید از آن کوچ‌کند؛ همانطور که چراگاه غالبا در فصل خاصی سرسبز و قابل استفاده است، فرصت‌های دنیا هم همیشگی نیستند و به سرعت می‌گذرند. چنانکه چراگاه ایمن نیست و در آن خطراتی مانند حمله وحوش دام را تهدیدمی‌کند، در دنیا هم انسان با خطرهای گوناگونی روبه‌رومی‌شود که اگر مراقب نباشد به جسم و روح او آسیب‌های جدی و حتی جبران‌ناپذیری وارد می‌آید. همانطور که خانه دام (آغل) از جهات

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

مختلف برای او بهتر از چراگاه است، آخرت و اعتماد به آن نیز بـه عنـوان جایگـاه ابـدی، بی‌نهایت و شایسته مقام انسانیت، برای انسان بسیار برتر از دنیای موقت، محدود، پر تهدید و خطر با ظرفیت‌ها و فرصت‌های محدوداست که غالبا مایه رنج و پریشانی وی مـی‌شـود. بنابراین، انسان عاقل به دنیا به عنوان مکانی می‌نگرد که قابل اطمینـان و اعتمـاد نیسـت و کوچیدن از آن برایش سودمندتر است. قرآن می‌فرماید: «**إِنَّ الَّذِينَ لا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُـوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِـکَ مَـأْوَاهُمُ النَّـارُ بِمَـا كَـانُوا يَكْسِبُونَ**» (یونس، ۷).

۷. دنیا میدان مسابقه دین اسلام است.

الدُّنْيَا مِضْمَارُهُ (خطبه ۱۰۵).

فرافکنی حوزه مبدا میدان مسابقه، بر حوزه مقصد دنیا به مثابه میدان مسـابقه دیـن بـه شرح زیر است:

اسب دوانان (مسابقه‌دهندگان)	←	مسلمانان رقابت‌کننده
محدوده مکانی و زمانی مسابقه	←	محدوده مکانی و زمانی رقابت معنوی
اهداف سوارکاران از مسابقه	←	اهداف مسلمانان از رقابت معنوی
قوانین و مقررات مسابقه	←	قوانین و مقررات رقابت معنوی
چالش‌های پیش رو	←	چالش‌ها، مشکلات و موانع رقابت معنوی
وسوسه کننده و نگرانی‌زا بودن مسابقه	←	پر جاذبه، لذت‌بخش و همراه با نگرانی
انتهای مسابقه	←	پایان زندگی مسلمانان رقابت‌کننده
پیروزی و شکست شرکت کنندگان	←	موفقیت‌ها و ناکامی‌های مسلمانان رقابت‌کننده
جایزه مادی برندگان مسابقه	←	جایزه معنوی مسلمانان رقابت‌کننده

میدان مسابقه مکان برد و باخت، تجربه شادی و غم و درس‌آمـوزی اسـت. در میـدان مسابقه، سوارکاران (مسابقه‌دهندگان) با رعایت مقررات معینی مسیر مشخصی را می‌پیمایند و با اهداف گوناگونی از جمله خودآزمایی، کسب تجربه، آشنایی با رقیبان و برنـده‌شـدن و دریافت جایزه، در عبور سریع‌تر از خط پایان و دریافت جایزه با هـم مسـابقه مـی‌دهنـد؛

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

مسابقه چالش‌هایی دارد که شرکت‌کنندگان باید بتوانند با آنها روبه‌رو شوند. عوامل مختلفی مانند برنامه، تمرکز، راهبرد مناسب، تمرین و آمادگی، کنترل نگرانی و دلهره و حتی هیجان تماشاگران مسابقه در پیروزی شرکت‌کنندگان دخیل است و در پایان مسابقه فقط تعداد اندکی برنده می‌شوند. دنیا هم جایگاه رقابت مسلمانان در عمل به دین اسلام و رسیدن به بهشت است. رقابت مسلمانان از سن تکلیف آغاز می‌شود و تا زمان مرگ ادامه می‌یابد. بدیهی است که چنین رقابتی راحت و آسان نیست. موفقیت و پیروزی مسلمانان در رقابت با یکدیگر در عمل به دین به عوامل مختلفی ملنند ایمان، تقوا، هدف، برنامه، ثبات قدم، تلاش پیوسته، غنیمت شمردن فرصت‌ها، غلبه بر هوای نفس، وسوسه‌های دشمنان و عوامل منفی، همچنین عبرت‌گرفتن از پیشینیان و غیر آنها بستگی دارد. فرهنگ، سیاست، جوامع و گروه‌های اجتماعی، حمایت‌ها و مانند آن بر پیروزی و شکست مسلمانان رقابت‌کننده در دنیا مؤثر است. برندگان این رقابت افرادی هستند که در ایمان، تقوا، عمل صالح و مانند بر دیگران پیشی گرفتند: «**السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِکَ الْمُقَرَّبُونَ**» (الواقعه، ۱۰-۱۱).

نکته قابل تامل در این استعاره شناختی این است که امیرمؤمنان﵇ دنیا را میدان مسابقه در عمل به دین اسلام معرفی کرده‌اند نه رقابت در به‌دست آوردن زرق و یرق‌های دنیا (منصب، مقام، قدرت، ثروت، شهرت و مانند آن) که معمولا از راه‌های خلاف شرع و قانون حاصل می‌شود و در راه‌های نادرست مورد استفاده قرار می‌گیرد و نتیجه‌ای جز خسران ندارد.

۸. دنیا خیمه است.

کُونُوا کَالسَّابِقِینَ قَبْلَکُمْ وَالْمَاضِینَ أَمَامَکُمْ؛ قَوَّضُوا مِنَ الدُّنْیَا تَقْوِیضَ الرَّاحِلِ... (خطبه ۱۷۵):

مانند پیشینیان (صالح) خود و آنان که در مقابل شما رفتند باشید؛ از دنیا بسان خیمه برکندن فرد کوچ‌کننده، خیمه برکندند ... .

وصی پیامبر خداﷺ با استفاده از استعاره مفهومی دنیا را خیمه و ساکنان صالح آن را مسافرانی مفهوم‌سازی‌می‌کند که از شیوه زندگی مناسب با اقتضاءات سفر، به‌خوبی آگاهند. براین اساس، به مخاطبان امر می‌کند مانند گذشتگان نیکوکار و صالح باشند که همچون

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

مسافر در دنیا زندگی‌کردند و شیفته و وابسته دنیا نشدند.

جدول زیر تناظرهای میان خیمه و دنیا را نمایش می‌دهد:

مبدأ: **خیمه**		مقصد: **دنیا**
سبک، کم حجم و مناسب شرایط سفر	←	خانه‌های ساده و بی‌تکلف مناسب
گنجایش و عمر محدود	←	مدت کوتاه زندگی در دنیا ظرفیت و عمر محدود
مسافر با بار و بنه سبک مناسب سفر	←	صالحانی با لوازمی در حد ضرورت زندگی در دنیای موقت
کندن طناب‌ها و ستون‌های خیمه هنگام ترک محل بدون باقی‌ماندن آثار این خیمه	←	کندن حب دنیا از دل و نداشتن ذره‌ای تعلق ناپسند به آن

شباهت‌های ساختاری ادراک‌شده میان مفاهیم دنیا و خیمه نشان می‌دهد همانطورکه هر مسافری، در شهر و دیار خود خانه و کاشانه‌ای دارد و دوری او از خانه و اهل و عیالش فقط مدت کوتاهی به منظور انجام سفر اتفاق‌می‌افتد، پیشینیان صالح شما هم آخرت را جایگاه ابدی خود و دوری از آن‌را به خاطر این دنیای گذرا و موقت می‌دانستند. همانگونه که مسافر، برای استراحت و اقامت موقت در میان راه از خیمه که سبک، کم حجم و مناسب شرایط سفراست استفاده‌می‌کند، آن صالحان پیش از شما نیز زندگی کوتاه این دنیای موقت را در خانه‌های ساده و بی‌تکلف سکنی‌گزیدند و گذراندند. چنانکه مسافر سبک‌بار سفرمی‌کند و به‌اندازه نیاز با خود بار و بنه برمی‌دارد، پیشینیان صالح شما هم از دنیا، رفاه و امکاناتش به‌مقداری که عمر چندروزه اقتضامی‌کرد، بهره‌بردند و وقت گرانمایه خویش را صرف دنیاطلبی و مال‌اندوزی نکردند. همانطورکه خیمه فضای محدودی دارد و می‌تواند تعداد مشخصی را در خود جای دهد، امکانات دنیا هم محدود است و بی‌نهایت نیست؛ همانگونه که خیمه روزی از بین می‌رود، دنیا هم در زمان مشخصی زائل می‌گردد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

پیشینیان صالح هم با آگاهی از این ویژگی‌های دنیا در کسب این امکانات محدود و از بین رفتنی طمع نکردند و دنیای کوتاه ناپایدار را در تحقق هدف از آفرینش خود (غایت فعلی) سپری کردند. مسافر هنگام ترک مکانی که برای مدت کوتاهی در آن خیمه‌زده بود، طناب‌ها و ستون‌های خیمه‌اش را از زمین می‌کند و اینگونه آن را جمع‌می‌کند و با کندن طناب از زمین، هیچ اثری از طناب بر زمین باقی‌نمی‌ماند، گذشتگان نیکوکار شما هم حب دنیا را که منشأ همه گناهان‌است، طوری از از دل برکندد که هیچ جایی در درونشان نداشت؛ به همین علت با دلی آرام و خاطری آسوده این سفر را به پایان‌رساندند و به جایگاه ابدی رسیدند.

۹. دنیا بازار است.

الف) وَكَأَنَّ مَتَاعَهَا بَاقٍ عَلَيكُم (خطبه ۱۱۲): گویی کالای آن برای شما باقی و برقرار خواهد ماند!

ب) وَلَاتُفتَنُوا بِأعلَاقِهَا ... وَأعلَاقُهَا مَسلُوبَةٌ (خطبه ۲۳۲): فریفته کالای نفیس دنیا نشوید؛ (زیرا) از شما ستانده شده است.

"أعلَاق" جمع عِلق است یعنی نفیس از هر چیز (ابن منظور، جلد ۲، ماده علق). در این قسمت از خطبه امیرالمؤمنین علیه‌السلام دنیا را بازاری با کالاهای نفیس مفهوم‌سازی کرده و مردم را از فریفته شدن به آنها نهی‌کرده‌اند؛ زیرا این کالاها در واقع از افراد ستانده شده و ماندگار نیستند.

در این مفهوم‌سازی نیز مانند دیگر مفهوم‌سازی‌ها ذهن از حوزه مبدا (در اینجا بازار) به سمت حوزه مقصد (در اینجا دنیا) حرکت می‌کند و از طریق نگاشت از حوزه مبدا بر حوزه مقصد، حوزه مقصد را می‌فهمد:

حوزه مبدا: بازار	حوزه مقصد: دنیا
کالا/ کالای نفیس	ظواهر (زرق و برق‌ها)
خریدار	فرد متمایل به داشتن ظواهر
پرداخت قیمت	تلاش برای به‌دست آوردن
خریدن	گرفتن/ به‌دست آوردن
تاثیرات خریدن	پیامدهای گرفتن/ به‌دست آوردن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

شباهت‌های ساختاری میان مفهوم انتزاعی دنیا و مفهوم عینی بازار را می‌توان به شرح زیر صورت‌بندی کرد:

۱. تبادل کالاها و خدمات	← تبادل اطلاعات، ایده‌ها و فرهنگ‌ها
۲. تنوع کالاها و خدمات	← تنوع جاذبه‌ها و زرق و برق‌ها
۳. یکسان نبودن کیفیت کالاها و خدمات	← یکسان نبودن سطح و درجه لذت‌ها و خواستنی‌ها
۴. رقابت میان فروشندگان برای جذب مشتری	← رقابت میان افراد و گروه‌ها برای کسب مقام و منصب، قدرت، شهرت و ثروت
۵. قیمت‌گذاری کالا و خدمات براساس معیارهایی مانند: عرضه و تقاضا، ارزش ذاتی کالاها و ارزش نسبی آنها در مقایسه با یکدیگر	← ارزش‌گذاری چیزها بر اساس معیارهای مختلف، مانند: معیارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و معنوی
۶. سود و زیان	← موفقیت و ناکامی
۷. نوسانات و تغییرات	← ناپایداری اوضاع و شرایط

بازار، محلی برای ارائه و تبادل کالاها و خدمات گوناگون است که کیفیت آنها یکسان نیست و قیمت‌گذاری نیز بر اساس عرضه و تقاضا، ارزش ذاتی کالاها و خدمات و ارزش نسبی آنها در مقایسه با یکدیگر انجام می‌شود. فروشندگان برای جذب بیشتر مشتری و خریداران برای به‌دست آوردن کالای مورد نظر با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. در بازار برخی سود می‌کنند و برخی زیان. سودکردن به عواملی مانند کیفیت، تنوع، قیمت کالاها و خدمات و راهبردهای بازاریابی بستگی دارد. وضعیت بازار با تغییر عرضه و تقاضا و قیمت تغییر می‌کند و عمر کالاها محدود است. دنیا هم فضایی است برای تبادل اطلاعات، ایده‌ها، فرهنگ‌ها و منابع. جایگاهی است سرشار از لذت‌ها و خواستنی‌ها با درجات متفاوت که براساس معیارهای مختلفی ارزش‌گذاری می‌شوند. در این فضا افراد، گروه‌ها و کشورها برای دستیابی به موقعیت، ثروت و قدرت و مانند آن با یکدیگر رقابت می‌کنند؛ برخی پیروز می‌شوند و برخی ناکام می‌مانند. عواملی مانند: دانایی، توانایی، مهارت، برنامه، تلاش و پشتکار در موفقیت مؤثر هستند. شرایط و اوضاع دنیا ثبات ندارد و مرتب در حال تغییر است؛ لذت‌ها و زرق و برق‌هایش نیز عمر محدودی دارند و ماندگار نیستند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

کلام امام علی﵇ نشان می‌دهد از میان همه تناظرها، ناپایدار بودن لـذت‌هـا و زرق و برق دنیا برجسته شده است. ایشان بـا تمرکـز بـر ایـن ویژگـی، مـردم را از دلبسـتگی بـه لذت‌های دنیا منع می‌کنند؛ چراکه این لذت‌ها و خواستنی‌ها حتی اگر از نظر افراد مهم و در اولویت باشند و با کار و تلاش مثبت به‌دست آیند، به سان کالاهای بازار که عمر محدودی دارند و سپس از بین می‌روند، ماندگار نیستند و پس از مدت کوتاهی از دست می‌روند.

در خطبه ۲۳۲ واژه "مسلوب" را می‌توان ربوده‌شده هـم معنـا کـرد؛ در ایـن صـورت، تناظرها از حوزه مبدا بازار به حوزه مقصد دنیا به شکل زیر خواهد بود:

کالای نفیس	←	زرق و برق دنیا
دزد به دنبال کالای نفیس	←	افراد به دنبال زرق و برق دنیا
نقشه کشیدن و در کمین نشستن	←	برنامه‌ریزی و تلاش برای به‌دست آوردن
ربودن کالای نفیس	←	گرفتن زرق و برق دنیا از دیگری
تاثیرات ربودن	←	پیامدهای گرفتن
ناپایداری مالکیت	←	ناپایداری موقعیت‌ها

شباهت‌هایی که منبع مهم انگیختگی استعاره مفهومی **دنیا بـازاری اسـت کـه کالاهـای نفیسش ربوده شده هستند** در ادامه بیان می‌شوند:

بازار در کنار انواع کالاها و خدمات، کالاهای نفیس هم برای عرضه دارد. ایـن کالاهـا به دلیل ارزش مادی و جذابیت ذاتی‌شان، افراد را با قدرت به سمت خود می‌کشند، ایشـان را از دنبال‌کردن اهداف ارزشمند و مؤثر در سعادتمندی حقیقی غافل می‌سـازند و وسوسـه مالکیت را حتی از طریق سرقت و راه‌های خلاف قانون در آنها پدید می‌آورند تا جایی کـه با ارتکاب جرایم و پایمال کردن حقوق دیگران، خود را با داشتن چنـین کالاهـای نفیسـی آلوده می‌کنند بی آنکه بـه واقعیـت مـوقتی‌بـودن مالکیـت بیندیشـند؛ آن کالاهـای نفـیس ربوده‌شده هم‌زمان احساس ناامنی و تـرس از آشـکار شـدن حقیقـت را در ایشـان ایجـاد می‌کنند و اینگونه آرامش و زندگی طبیعی را از افراد سلب می‌نمایند. زرق و برق‌های دنیـا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

هم با ظاهر فریبنده و جذاب افراد را جذب خود می‌کنند و با فریفتن آنها، از اهداف معنوی و واقعی زندگی غافلشان می‌سازند. حال آنکه به‌طور ذاتی ناپایدارند و روزی از دست ایشان می‌روند. همین واقعیت باعث می‌شود افراد همواره در ترس و نگرانی ناشی از از دست دادن این زرق و برق‌ها زندگی کنند.

نکته قابل توجه آنکه امیر مؤمنان﵇ از زمان آینده برای عمل ستانده شدن استفاده نکرده و نفرموده از شما ستانده خواهند شد (سَتُسلَبُ مِنکُم) بلکه از اسم مفعول (مَسلُوبَة) استفاده کرده و فرموده: فریفته کالاهای نفیس نشوید؛ چرا که (از شما) گرفته شده‌اند؛ یعنی در آن هنگام که انسان بدان‌ها دست می‌یابد، همان زمان نیز آنها را از دست داده؛ پس از همان ابتدا نباید شیفته و دل‌بسته گردد. بر همین اساس در جای دیگر می‌فرمایند: ببینید و دل مبندید که دیر یا زود باید گذاشت و گذشت؛ هر آمدنی را رفتنی است و هر انتصابی را عزلی.

چنانکه از این کلام امام علی﵇ بر می‌آید، از میان همه تناظرها تاکید و تمرکز ایشان بر فریبندگی و ناپایداری زرق و برق دنیاست.

از این مفهوم‌سازی امیرمؤمنان﵇ می‌فهمیم که به‌دست‌آوردن زرق و برق دنیا معمولا با استفاده از راه‌های نادرست و ارتکاب جرایم همراه است و منصب، ثروت و قدرت دنیا برای افرادی که اینگونه به آنها می‌رسند، نه تنها فضیلت به‌شمار نمی‌رود بلکه وزر و وبال خواهد بود که هم دنیا و هم آخرتشان را تباه خواهد کرد.

از تحلیل شناختی حکمتی که در ادامه می‌آید و از تحلیل شناختی منظومه فکری امام علی ﵇ در نهج‌البلاغه درک می‌کنیم که زرق و برق دنیا از دید افراد مادی‌نگر فرصت‌طلب کالای نفیس است و ایشان نیز بر همین اساس آن را کالای نفیس مفهوم‌سازی کرده‌اند، اما در دیدگاه توحیدی خودشان ﵇ کالای دنیا خرده‌ریزه و شکسته گیاه خشک آفت‌زده است. (برای کسب اطلاعات بیشتر نکـ : به: .Zare, 2023b).

د) يَا أَيُّهَا النَّاسُ، مَتَاعُ الدُّنيَا حُطَامٌ مُوبِئٌ (حکمت ۳۵۹): ای مردم! کالای دنیا خرده‌ریز خشک گیاه آفت زده است.

در این حکمت امام علی﵇ از حوزه محسوس خرده‌ریز خشک گیاه آفت زده برای

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

فهم و درک حوزه انتزاعی دنیا استفاده کرده‌اند.

حوزه مبدا: خرده‌ریز خشک گیاه آفت زده	حوزه مقصد: کالای دنیا
بی‌ارزش است	بی‌ارزش است.
فاسد شده و از بین رفته است.	فسادزا و نابود شونده است.
بی‌فایده است.	بی سود و ثمر است.
بیمار است.	بیماری‌زا است.
بی‌نظم و پراکنده است.	تمرکز زدا است.

دنیا بازاری مفهوم‌سازی شده که کالایش خرده‌ریز خشک گیاه آفت‌زده است؛ این کالای پوچ و فاسدشده که تکه‌هایش روی زمین پراکنده است نه تنها ارزشی ندارد و انسان به آن رغبت و تمایلی نشان نمی‌دهد بلکه تهوع‌آور است و از آن فرار می‌کند. هیچ انسانی به قصد خرید خرده‌ریز گیاه آفت زده به بازار نمی‌رود و چنین کالایی خریداری نمی‌کند؛ کالای دنیا همان زرق و برق و زیور و زینت (مقام و منصب، مال و دارایی، قدرت، شهرت و مانند آن) است که انسان را از پرداختن به هدف غایی از خلقت دور می‌کند، به‌طوری که تمام عمر خود را صرف به‌دست‌آوردن آنها می‌کند و در این راه به انواع تخلفات و گناهان آلوده می‌شود؛ در نهایت هم ماندگار نیست و عاقبت انسان را تباه می‌سازد.

امام علی﵇ با این مفهوم‌سازی حقیقت و باطن این زرق و برق‌ها و زینت و زیورها را به مردم نشان می‌دهند: نه تنها شما هرگز چنین چیزی را خریداری نمی‌کنید، بلکه از آن می‌گریزید. پس، هرگز به زرق و برق‌های دنیا طمع نکنید؛ ذهن و عمر خود را مشغول آنها نگردانید، برای داشتنشان با یکدیگر به رقابت و دشمنی برنخیزید و حتی از آن بگریزید؛ چرا که برای شما نخواهندماند و به شما وفا نخواهد کرد؛ به علاوه، دارایی فراوان، قدرت، شهرت و... مسؤولیت بسیار سنگینی برایتان ایجادمی‌کنند و خداوند به خاطر داشتن اینها به حساب شما خواهدرسید.

در مقابل افرادی که زرق و برق دنیا در نگاهشان کالای نفیسی است که برای به‌دست‌آوردن آن به راه‌های نادرست متوسل می‌شوند و از ارتکاب جرایم نیز ابایی ندارند،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

دوستان خدا هستند که دنیا در منظرشان تجارت‌خانه ایست کـه در آن بـا خـدا معاملـه و رحمت او را کسب می‌کنند و این تجارت سراسر سودشان، به بهشت ختم می‌شود:

ج) (الدُّنیَا) مَتجَرُ أولِیَاءِ اللهِ اکتَسَبُوا فِیهَا الرَّحمَةَ وَرَبِحُوا فِیهَا الجَنَّةَ (حکمت ۱۲۶).

تجارت‌خانه ◄——————— دنیا

حوزه مبدا: تجارت‌خانه	حوزه مقصد: دنیا
مبادله کالا و خدمات	مبادلات معنوی
سرمایه‌گذاری و سود مادی	سرمایه‌گذاری و سود معنوی
تلاش، ریسک‌پذیری و تحمل سختی‌ها	ایمان به غیب، تلاش، مقاومت و تحمل مشکلات
رعایت قوانین و مقررات تجارت	رعایت قوانین الهی
پیروزی و شکست	پیروزی

در این حکمت، دنیا محل تجارت دوستان خدا مفهوم‌سازی شده؛ در تجـارت‌خانـه در ازای پرداخت پول یا کالا و یا خدمات، کالا و خدمات مورد نیاز را دریافت می‌کنـیم؛ ایـن معامله/ مبادله بر اساس توافق میان دو طرف صورت می‌گیرد. افراد با هدف کسب سود در تجارت‌خانه سرمایه‌گذاری می‌کنند و به منظور تحقق این هدف باید در چارچوب مقـررات تجارت، تلاش کنند؛ همچنین لازم است سختی‌ها را تحمل نمایند و ریسک سرمایه‌گـذاری را بپذیرند. بدیهی است که در هر تجارتی عده‌ای سود می‌کنند و عده‌ای زیان؛ موفقیت نیـز به عوامل مختلفی بستگی دارد. در تجارت‌خانه دنیا نیز دوستان خدا با هدف کسب سود بـا خدا وارد معامله می‌شوند و سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ سرمایه ایشان مادی نیست؛ پندار، گفتار و اعمال نیک و صالح است. سود این تجارت در دنیا کسب رحمت الهی است و در آخرت بهشت برین؛ دوستان خدا هم در تجارت با او باید مقرراتی را رعایت کنند؛ با ایـن تفـاوت که وضع‌کننده این مقررات بشر نیست، خود پروردگار است. کسب سود در تجارت با خـدا نیز آسان نیست و سختی‌های زیادی دارد. پس دوستان خدا باید ایمان قوی به غیب داشته باشند؛ صبور باشند؛ بسیار تلاش کنند و در برابر نفس اماره به بدی‌ها مقاومـت نماینـد. بـا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

اینکه در هر تجارتی احتمال سود یا زیان وجوددارد، اما تجارت دوستان خدا با او فقط سودآور است و بهترین سود آن هم به‌دست‌آوردن بهشت می‌باشد.

در دو مورد زیر هم امام علی‌علیه‌السلام دنیا را به عنوان مکان صورت‌بندی کرده است؛ مکانی که پیموده می‌شود و مکانی که بر ساکنانش تنگ می‌آید: الف) درباره نیکان و صالحان که می‌فرماید: فَکَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنیَا إِلَی الآخِرَةِ وَهُم فِیها فَشَاهَدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِکَ، یعنی گویا با این‌که در دنیا هستند، آن را درنوردیده و به آخرت رسیده و با چشم یقین و بینش نافذی که پروردگار عطاکننده به ایشان عطاکرده، صحنه‌ها، حوادث، مسائل و حالات موجود در آن عالم را مشاهده‌کردند؛ طوری‌که گویا خود در آن دنیا حضور دارند (موسوی، ۳۰/۴ و ۳۱ و هاشمی خوئی، ۲۵۹/۱۴).

ب) در خطبه ۹۳ که از دانش‌های خود و فتنه بنی امیه با مردم سخن گفته: وَضَاقَت الدُّنیَا عَلَیکُم ضِیقًا یعنی پس از من دنیا آن چنان بر شما تنگ گردد و ایام بلا طوری شما را بگزد که آن را به‌خاطر سختی و شدتش بس طولانی شمارید آنگونه که زمان را کند ببینید که حرکت نمی‌کند و هر لحظه‌اش روزها بر شما می‌گذرد (موسوی، ۱۲۵/۲ و مغنیه، ۵۶/۲).

نتایج مقاله

۱. دنیا مانند دیگر مفاهیم انتزاعی از وضوح و روشنی کافی برخوردار نیست، بنابراین نیازمند تعریف استعاری است. پژوهش حاضر که تاییدی بر استعاری بودن نظام مفهومی ما است، چگونگی پایه‌گذاری این مفهوم مجرد، ساختاربندی آن با ارتباطش با مفاهیم دیگر (مزرعه، آبشخور، تکیه‌گاه، چراگاه، میدان مسابقه، خیمه و بازار) و چگونگی تعریف‌شدنش را از طریق نظریه معاصر استعاره نشان می‌دهد.

۲. استعاره **دنیا به مثابه مکان**، یک نگاشت نظام‌یافته مفهومی از حوزه مبدأ مکان (مزرعه، آبشخور، تکیه‌گاه، چراگاه، میدان مسابقه، خیمه و بازار) به حوزه مقصد دنیا است. نگاشت‌های هستی‌شناختی از حوزه مفهومی مبدا (مکان‌های گفته‌شده) بر حوزه مقصد زندگی، این استعاره را برانگیخته است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳. کانون‌های استعاری: حَرثُ الدُّنیَا، لُجَجُ الدُّنیَا، رَنِقٌ مَشْرَبُهَا رَدِغٌ مَشْرَعُهَا؛ اغورارٍ مِن مَائِهَا؛ سِنَادٌ مَائِلٌ؛ مَرْعَاةً قُلْعَتُهَا أَحْظَى مِنْ طُمَأْنِينَتِهَا؛ الدُّنْيَا مِضْمَارُ الدِّين، قَوَّضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْوِيضَ الرَّاحِلِ، مَتَاعُ الدُّنیا، أعلاقُ الدُّنیَا، الدُّنیَا مَتجَرُ أولِیَاءِ اللهِ به‌طور قراردادی در مورد دنیا به‌کار برده نمی‌شوند، بلکه ساختارهای دانش مرتبط با آنها از طریق استعاره‌های: دنیا مزرعه است، دنیا آبشخور تیره است، دنیا تکیه‌گاه کج است، دنیا چراگاه موقت است، دنیا میدان مسابقه دین اسلام است، دنیا خیمه است و دنیا بازار است در این کانون‌ها فرافکن شده‌اند.

۴. نگاشت‌ها معرف چگونگی ارتباط واژه‌های مربوط به مکان‌ها (مزرعه، آبشخور، تکیه‌گاه، چراگاه، میدان مسابقه، خیمه و بازار) برای توصیف دنیا هستند. همچنین نشان می‌دهند چگونه الگوهای استنتاجی مورد استفاده برای سخن‌گفتن (استدلال‌کردن) در مورد مکان‌ها، در مورد دنیا هم به‌کار می‌روند. نظام‌مندی این نگاشت‌ها اصل تغییرناپذیری را در یکایک استعاره‌های شناختی به خوبی نمایش می‌دهد.

۵. همبستگی "دنیا" به عنوان یک مفهوم انتزاعی با مکان‌هایی مثل مزرعه، دریا، آبشخور، تکیه‌گاه، چراگاه، میدان مسابقه، خیمه و بازار مستقیم نیست؛ ما شباهت‌هایی را میان دنیا و هر یک از حوزه‌های گفته‌شده درک می‌کنیم که عینی و از پیش موجود نیستند؛ در واقع ما شباهت‌های میان دنیا و مزرعه، دنیا و دریا، دنیا و آبشخور، دنیا و تکیه‌گاه، دنیا و چراگاه، دنیا و میدان مسابقه، دنیا و خیمه و دنیا و بازار را چون برخاسته از درک استعاره‌های **دنیا مزرعه است؛ دنیا دریا است؛ دنیا آبشخور تیره است، دنیا تکیه‌گاه کج است** و ... درک می‌کنیم. به عنوان نمونه، در استعاره شناختی **دنیا مزرعه است**، ما به پول و فرزند به مثابه محصولات کشاورزی می‌نگریم و نکات مثبت و منفی این دو را به نکات مثبت و منفی محصولات کشاورزی تشبیه می‌کنیم؛ این در حالی‌است که پول و فرزند اصولا شباهتی به محصولات کشاورزی ندارند. ما می‌توانیم رابطه میان فرزنددار شدن، به‌دست آوردن پول و موقتی و محدود بودن همچنین فناپذیری آنها را در موقعیت عمل کشاورزی درک کنیم: فرزنددار شدن متناظر با عملیات کاشت بذر در مزرعه است؛ کسب

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

پول متناظر با فروش محصولات کشاورزی است که حاصل سعی و تلاش همراه با صبر و حوصله بسیار و تحمل سختی‌ها در انجام مراحل سه‌گانه کشاورزی می‌باشد؛ موقت بودن دارایی و فرزند متناظر با موسمی بودن محصولات کشاورزی و از دست‌دادن دارایی و فرزند متناظر با آفاتی است که محصولات کشاورزی را نابود می‌کند. در نتیجه، استعاره **دنیا مزرعه است** بر همبستگی تجربی انسان با فرآیند کشت و زرع تأکید دارد که نیاز به مراقبت، زمان و تلاش دارد تا به ثمر بنشیند. احساس شباهت میان حوزه کشت و زرع با حوزه دنیا بر شباهت ساختاری ادراک‌شده‌ای در استعاره شناختی حاصل از آن (**دنیا مزرعه است**) دلالت می‌کند. ادراک مال و فرزند به مثابه کشت و زرع فرایندی برای فهمیدن استعاره **دنیا مزرعه است** می‌باشد. شباهت‌های ساختاری ادراک‌شده (هر شباهتی که از این ادراک ناشی می‌گردد)، منبع مهم "انگیختگی" استعاره شناختی مذکور است.

۶. این شباهت‌های ادراک‌شده که باعث پیدایش استعاره‌های شناختی می‌شوند، نشان می‌دهد که نه تنها بنیان استعاره‌های شناختی دنیا مزرعه است، دنیا دریا است، دنیا آبشخور تیره است، دنیا رودخانه/ دریاچه خشک‌شده است، دنیا تکیه‌گاه کج است، دنیا چراگاه موقت است، دنیا میدان مسابقه دین اسلام است، دنیا خیمه است و دنیا بازار است بر اساس شباهت از پیش موجود نیست، بلکه این استعاره‌ها خود شباهت می‌آفرینند. شبیه‌سازی انسان ناتوان از مدیریت چالش‌ها و وسوسه‌های دنیا و فرورونده در زرق و برق و جذبه‌ها، که موقت و فانی بودن دنیا را فراموش می‌کند و از آخرت غافل می‌شود، به فردی که با انگیزه‌های مختلفی بی توجه به خطرات در قسمت‌های پر آب دریا فرو می‌رود و غرق می‌گردد، عملی است که استعاره شناختی آفریده است. شباهتی که از ابتدا میان دریا و دنیا وجود نداشته است. همچنین است شباهت‌سازی میان دست‌یافتن به زرق و برق دنیا با تن‌دادن به آلودگی‌ها با ورود به آبشخور پس از عبور از گل و لای، میان باقی‌نماندن خیر و نیکویی دنیا در زمان جاهلیت با خشک‌شدن آب رودخانه/ دریاچه، میان قابل اعتماد نبودن دنیا با تکیه‌گاه ناپایدار و سست، میان محدود، موقت و خطرناک بودن چراگاه با دنیای محدود موقت با وجود خطرهای گوناگون ...

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۷. تحلیل دنیای مکانی‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد بنیان همه استعاره‌های شناختی این مقوله همبستگی‌های تجربی غیر مستقیم ما هستند، نه هم‌زمانی تجربی و نه بدن‌مندی. دنیا و آبشخور، دنیا و تکیه گاه، دنیا و بازار، دنیا و میدان مسابقه، دنیا و خیمه، دنیا و دریا... دو رویداد نیستند که هم‌زمانی یا عدم هم‌زمانی تجربه در آنها باعث وقوعشان شده باشد. همچنین به خاطر تجربه جسم‌آگین ما نیست که مکان‌شدگی دنیا را درک می‌کنیم یعنی بدن ما در حال انجام فعالیتی نبوده که درک این استعاره‌ها نتیجه واکنش فیزیولوژیک به آن باشد، بلکه شباهت‌های ساختاری ادراک‌شده میان حوزه مبدا (مکان‌ها) با حوزه مقصد (دنیا) استعاره‌های شناختی را برانگیخته است. این ادراک نتیجه تجربه طبیعی ما است که محصول اندام‌های درکی و ظرفیت‌های ذهنی‌مان می‌باشد.

۸. علت اینکه امیرالمؤمنین﵇ از حوزه مبدا "مکان" برای عینی‌سازی حوزه مقصد "دنیا" استفاده‌کرده‌اند، آنست که براساس دیدگاه زبان‌شناسان شناختی، "مکان‌ها" یکی از حوزه‌های پایه تجربه انسان هستند که در مفهوم‌سازی و تعریف حوزه‌های مجردی که وضوح کمتری دارند، به خوبی عمل می‌کنند. از آنجا که حوزه مبدا "مکان" (در اینجا مزرعه، دریا، آبشخور، تکیه‌گاه، چراگاه، میدان مسابقه، خیمه و بازار)، با تجربه روزانه ما همبستگی ساختاری دارد، برای حوزه مقصد (دنیا) کاملا مناسب و در صورت‌بندی آن دقیق و کارآمد است. به عبارت دیگر، تناسب و انطباق حوزه "مکان" با دنیا، استعاره‌های **دنیا خیمه است، دنیا چراگاه موقت است، دنیا میدان مسابقه دین اسلام است** و مانند آن را برانگیخته و باعث درک این حوزه مقصد شده‌است. همانطورکه ملاحظه می‌کنیم ساختار درونی این حوزه‌های "مکانی" آنقدر غنی هست که توانایی تعریف مفهوم مجرد "دنیا" را دارند.

۹. استعاره‌های شناختی حاصل از انگیختگی ناشی از تناسب و انطباق حوزه "مکان" با دنیا، مخاطب را قادر می‌سازد ارتباط میان سازمان‌دهی و پردازش اطلاعات در زبان نهج‌البلاغه را کشف‌کند و او را به درک ذهن آفریننده گفتمان نهج‌البلاغه و تفکرات وی رهنمون می‌شود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم. *لسان العرب*، ج ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۲۰۰۵.

۳. ابن میثم بحرانی، کمال الدین میثم بن علی، شرح نهج البلاغة، ج ۲، بی‌جا: دفتر نشر الکتاب، ۱۳۶۲ش.

۴. ساکی، نانسی. دراسة الاستعارات المفهومیة فی الخطب ۱-۱۵ من نهج‌البلاغة بناء علی تفسیر آیة الله مکارم الشیرازی، آداب الکوفة، ۵۴ (۱)، صص ۵۴۶-۶۶۴، ۲۰۲۲.

۵. سید رضی، ابو الحسن محمد بن حسین بن موسی، نهج البلاغة، شرح: علی نقی فیض الاسلام، تهران: انتشارات فیض الإسلام، ۱۳۷۰.

۶. شعیری، تاج الدین محمد بن محمد، جامع الأخبار، ج ۱، نجف اشرف: المطبعة الحیدریة، بی‌تا.

۷. شوشتری، محمدتقی، بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.

۸. قائمی، مرتضی و ذوالفقاری، اختر. کارکرد گیاه‌انگاری در عینی‌سازی مفهوم زندگی در متن قرآن و نهج‌البلاغه. مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۲، صص ۵۹-۷۹، ۱۴۰۱.

۹. قزوینی حائری، محمد کاظم. شرح نهج البلاغة، نجف: مطبعة النعمان، ۱۹۵۹.

۱۰. محمدعلی نژاد عمران، روح‌الله، علیمحمدی، محمد و دهقانی، فرزاد. بازکاوی استعاره‌های مفهومی ماده "شعر" در نهج‌البلاغه براساس مدل لیکاف و جانسون، پژوهش‌های نهج‌البلاغه، ۷۳، صص ۱۳-۴۵، ۱۴۰۱.

۱۱. مغنیه، محمدجواد. فی ظلال نهج البلاغة، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۵۸ق.

۱۲. مکارم شیرازی، ناصر. پیام امام شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۸۰.

۱۳. موسوی، سیدعباس علی، شرح نهج البلاغة، بیروت: دار الرسول الأکرم- دار محجة البیضاء، ۱۳۷۶.

۱۴. ناصر عبد، بدریة. المظهر الإبداعی للاستعارة التصوریة فی نهج البلاغة، المجلة الدولیة للعلوم الإنسانیة و الاجتماعیة، ۳۰، صص ۱۳-۲۵، ۲۰۲۲.

۱۵. هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌الله و حسن‌زاده آملی، حسن و کمره، محمدباقر، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، تصحیح: ابراهیم میانجی، تهران: المکتبة الإسلامیة، ۱۳۶۴.

16. Aghagolzadeh, F. & Pourebrahim, Sh. Death metaphor in religious texts: A cognhtive semantic approach, *Int. J. of Humanities, 20* (4), pp. 61-78, 2013.

17. Evans, V. & Green, M. *Cognitive linguistics: An introduction.* London, Edinburg: Edinburg University Press, 2006.

18. Kövecses, Z. *Metaphor in culture: Universality and variation*, Cambridge University Press, 2005.

19. Kövecses, Z., Language, mind, and culture: A practical introduction. Oxford University Press, 2006.

20. Kövecses, Z. *Metaphor*: *A practical introduction*. Oxford: Oxford University Press, 2010.

21. Lakoff, G. & Johnson, M. *Metaphors we live by*. Chicago: The University of Chicago Press, 1980.

22. Lakoff, G. Women, fire and dangerous things: What categories reveal about the mind?, The University of Chicago Press, 1987.

23. Lakoff, G. The contemporary theory of metaphor, In Andrew Ortony (Ed.) *Metaphor and Thought* (2nd ed.) (202- 251). Cambridge: Cambridge University Press, 1993.

24. Zare, A. The animalification of the world in Nahj al-Balaghah: The cognitive approach. *Alameed Journal*. *11*, (42), pp. 212-237, 2022a.

25. Zare, A. Conceptualizing the world in the words of Imam Ali according to the theory of conceptual metaphor: An investigation of metaphors conceptualized based on comestibles. *Adab Al-Kufa Journal*. *54* (2), pp. 532-552, 2022b.

26. Zare, A. A Linguistic Analysis of the Metaphor THE WORLD IS A PLANT in the Nahj Al-Balagha Language (The Cognitive Semantics Approach). *Journal of the college of basic education for educational and human sciences*. *59*, (15), pp. 822- 832, 2023a.

27. Zare, A. The role of cognitive metaphor in the formation and presentation of Imam Ali's Ideological System in Nahj al-Balagha: The analysis of the conceptual metaphors: THE WORLD IS AN INFERIOR, DETESTABLE OBJECT as examples. *Al-Adab Journal. 147*, pp. 1-19, 2023b.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]